

مضمون پایداری در شعر حمید سبزواری و موسوی گرمارودی

^۱ حسن حبیبی

^۲ طاهره خبازی

^۳ معصومه خدادادی مهاباد

چکیده

ادبیات پایداری، تحت تأثیر جنبش‌های دینی و ملی و نیز با پیدایش انقلاب اسلامی و بروز جنگ تحمیلی و ضرورت دفاع مقدس بیش از پیش رواج یافت و بسیاری از شاعران و نویسندگان متعهد به عنوان سخنگوی آرمان‌های انقلابی و مردمی و در حمایت از ایثارگران، مضامین پایداری را در آثار خود بیان کردند. حمید سبزواری و موسوی گرمارودی، دو تن از شاعران مشهور ادبیات آیینی، پایداری و انقلاب اسلامی هستند که در این زمینه فعالیت دارند. شاعران پراگویی که بیشتر قالب‌های شعری را در خدمت ادبیات پایداری به کار گرفته و برای هر مناسبتی در انقلاب اسلامی شعر سروده‌اند و به همین علت به شاعر انقلابی مشهورند.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال است چه عواملی بر شکل‌گیری اندیشه‌ی پایداری این دو شاعر نقش داشته و مهمترین مضامین پایداری در اشعار این دو چیست؟

نتایج تحقیق نشان می‌دهد دیدگاه پایداری دو شاعر به هم نزدیک است و در زمینه ادبیات پایداری، همچون: جهاد و ایثار و شهادت، فلسفه‌ی انتظار و حماسه عاشورا، حق طلبی و استعمار و استکبارستیزی را، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب در اشعارشان آورده‌اند. نقش مردم در ایجاد این تفکر چشم‌گیر است. مردم ایران که از دیرباز ستم‌ستیزی را سرلوحه کارهای خود قرار داده و همه جا علیه نامردمی‌ها شوریده است. این روحیه باعث ایجاد تپش هماهنگ قلب و قلم، ایمان و احساس ضرب‌آهنگ زیبایی در آثار این دو شده که جانمایه‌اش حقیقت‌طلبی و انعکاس دردها و آرمان‌ها است.

کلید واژه‌ها: ادبیات پایداری، موسوی گرمارودی، حمید سبزواری، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا - ورامین. ایران. parsyan.ali@chmail.ir

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
T_khabazi@yahoo.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
M.khodadadi@iuavaramin.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۳۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۶/۱۲

مقدمه

ادبیات پایداری، یکی از انواع ادبی است که تحت تاثیر شرایطی چون استبداد داخلی و یا هجوم خارجی شکل می‌گیرد. در این نوع از ادبیات تجربه‌های ملّتی مقاومت و مبارزه برای کسب آزادی و دفع استبداد و همچنین رهایی سرزمین، فرهنگ و سنّت خود از بیگانگان با زبان شعر و هنر به تصویر کشیده می‌شود. در این میان شعر به دلیل قدرت تاثیر گذاری اش جایگاه ویژه‌ای دارد. شعر پایداری از نوع ادب متعهدانه و سیاسی است. جانمایه‌ی آن بیان محرومیت و مظلومیت، رنج و ستم، زندان و اسارت، دعوت به مبارزه با ستمگران، دمیدن روح حماسی و وطن دوستی در مردم، معرفی چهره‌های پایداری و ستایش از شهیدان و ایثارگران راه دین و آزادی است.

ادبیات پایداری در کشور ما هم زمان با انقلاب مشروطیت و جنگ جهانی اول، متأثر از گرایش‌های ملّی و میهنی بود. درون مایه ادبیات پایداری در کشور شیعی و علوی ایران متأثر از تاریخ وقایع مذهبی به ویژه عاشورای حسینی است. تاریخ عاشورا تا سده اخیر مأخوذ از سیره مقتل نویسی بود و مقاتل نیز جز ترویج سوگ سرایی و تقدیس حس مظلومیت تأثیر مهم تری نداشتند، حتی جوهره ارزشمند «فرهنگ شهادت» در سایه مفهوم مجرد «قربانی شدن» به منظور شفاعت گناهکاران در روز جزا ترسیم می‌شد. طرح مفاهیمی چون «حماسه و عرفان» در پرتو وقایع عاشورای حسینی، نخستین تجلی ادب پایداری بود؛ به عبارت دیگر، به جای آن که تاریخ عاشورا تنها «اندرز گذشتگان» و «تسکین حال معاصران» باشد به فلسفه پویای قیام در ادوار متوالی تاریخ تبدیل شد.

در این مقاله شعر دو تن از نام‌آورترین آنها یعنی حمید سبزواری و سیدعلی موسوی گرمارودی بررسی می‌شود. شعر سبزواری ریشه در پیشینه‌ها و پشتوانه‌های فرهنگی و ادبی دارد؛ شعری است تلفیقی از حماسه و عرفان و عشق، معرفت اجتماعی در شعر او موج می‌زند و در نهایت شعری مردمی است. از دیگر سو در حوزه مضامین، تمامی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی از عدالت خواهی و دفاع از مستضعفین گرفته تا مبارزه با استبداد و استکبار و ارج نهادن به فرهنگ شهادت و ایثار و امید به رهایی و ... در آن موج می‌زند. شعر سبزواری شعر عقیده و جهاد است و فریاد امت واحده اسلامی که خواستار وحدت است و اتحاد و مبارزه برای رسیدن دوباره اسلام به مجد و عظمت و رهایی قدس شریف و ...

مضمون پایداری در شعر حمید سبزواری و موسوی گرمارودی ۲۲۱

علی موسوی گرمارودی را می‌توان از پیشگامان شعر انقلاب اسلامی و از معماران این بنا دانست. او از معدود شاعران نوپرداز است که در سال‌های پیش از انقلاب با گرایش‌های دینی به میدان آمده و از این ارزش‌ها پاسداری کرده است. شاعری است پرکار با شش دفتر مستقل شعر و هشت گزیده شعر. شاعری جامع‌الاطراف است، که در غالب قالب‌ها و موضوعات رایج در شعر صاحب اثر است. چنین است که ما ناگزیر به ارزیابی شعر دو گرمارودی هستیم، گرمارودی نوپرداز و گرمارودی کهن-سرا و جالب اینکه بیشتر سروده‌های این شاعر، در دو قطب نسبتاً بارز و دور از هم جای گرفته‌اند، در شعر سپید و قصیده. حمید سبزواری نیز مضامین پایداری را در قالب‌های غزل، مثنوی، شعر نو، قصیده، رباعی و سروده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که چه عواملی بر شکل‌گیری اندیشه‌ی پایداری این دو شاعر نقش داشته و مهمترین مضامین پایداری در اشعار این دو چگونه است؟ می‌توان چنین فرض کرد که دیدگاه پایداری دو شاعر به هم نزدیک می‌باشد و در زمینه ادبیات پایداری، همچون: جهاد و ایثار و شهادت، فلسفه انتظار و حماسه عاشورا، حق‌طلبی و استعمار و استکبارستیزی را، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب در اشعارشان آورده‌اند. نقش مردم در ایجاد این تفکر چشم‌گیر است. مردم ایران که از دیرباز ستم‌ستیزی را سرلوحه کارهای خود قرار داده و همه جا علیه نامردمی‌ها شوریده است. این روحیه باعث ایجاد تپش هماهنگ قلب و قلم، ایمان و احساس ضرب-آهنگ زیبایی در آثار این دو شده است که جانمایه‌اش حقیقت‌طلبی و انعکاس دردها و آرمان‌ها است.

پیشینه پژوهش

محتوای ادبیات پایداری مشتمل بر طرح حوزه‌های مذکور است. البته گاه شعری یافت می‌شود که هر سه حوزه مزبور را بیان می‌کند یعنی گاه ضمن بیان شجاعت و ستایش فتوحات، "آرمانها" را توصیف می‌کند و ضمن سوگواری "بیان شجاعت" صورت می‌پذیرد.

صرف نظر از ویژگی‌های کلی این نوع ادبیات، آن‌چه وجه ممیزه آن از سایر مقوله‌های ادبی است، در پیام و مضمون آن نهفته است. بدین معنا که آثاری از این دست اغلب آینه دردها و مظلومیت‌های مردمی هستند که قربانی نظام‌های استبدادی شده‌اند. این آثار ضمن القای امید به آینده و نوید دادن پیروزی موعود؛ دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، ستایش آزادی و آزادگی، ارج نهادن به سرزمین مألوف و شهیدان و جان‌باختگان وطن را در بطن خود دارند. یکی از دغدغه‌های

اصلی نویسندگان و شاعران این نوع ادبیات، بی هویتی نسلی است که رفاه غربت، آنها را از درد و رنج ملت خویش غافل کرده است. از این روست که می‌کوشند با طرح نمادهای اسطوره‌ای ملی و تاریخی، عرق وطن دوستی و دفاع از آب و خاک و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب (به جای تن دادن به وضع موجود) را در افراد ایجاد کنند.

کاربرد عنوان ادبیات پایداری بسیار جوان است و عمدتاً به سروده‌ها نمایشنامه‌ها، داستان‌های کوتاه و بلند قطعات ادبی، طنزها، حسب حال‌ها، نامه‌ها و آثاری گفته می‌شود که روی ستیز با جریان‌های ضد آزادی و ایستادگی در مقابل آنها را نشان می‌دهد. سابقه پژوهش نیز در این زمینه عمر چندانی ندارد هر چند در سال‌های دفاع مقدس به ویژه سال‌های پس از جنگ در زمینه ادبیات پایداری جلسات و سمینارهای زیادی برگزار شده، کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است اما درباره موضوع پایداری در اشعار حمید سبزواری و شعر خط‌خون موسوی گرمارودی هیچ‌گونه تحقیق خاصی صورت نگرفته است. البته از آثاری که در این زمینه می‌توان از آنها یاد کرد. عبارتند از: نقش قیصر در ادبیات پایداری، انقلاب و دفاع مقدس (مونا آرام فر، زینب دولت‌خواهی، ۱۳۹۶)، تحلیل تطبیقی عنصر مبارزه و جانب‌داری در ادبیات دفاع مقدس ایران و ادبیات پایداری فلسطین (مرتضی زارع، ۱۳۹۶)، بازتاب بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در اشعار محمود درویش و علی رضا قزوه (امید وجدانی فر، ۱۳۹۶)، تحلیل بر مولفه‌های پایداری ادبیات پایداری در اشعار قیصر امین‌پور (شکوفه دارابی، ۱۳۹۵)

ادبیات پایداری

شعر پایداری گونه‌ای از شعراست که در آن مفاهیم اعتراض و مقاومت اجتماعی، جنگ در مقابل تجاوزگران و انقلاب در مقابل سلطه‌گران غلبه دارد. با چنین تعریفی، خاستگاه شعر پایداری اجتماعی است و این نوع ادبیات از دل رویدادهای ویژه‌ای که در یک جامعه ویژه رخ می‌دهد، بروز می‌کند. در چنین شرایطی، با دو مسئله متناقض روبه‌رو هستیم. از یک‌سو، شعر معترض و رهاننده خاستگاه اجتماعی نیرومندی دارد و از سوی دیگر، ویژگی هنر و شعر متعالی و ماندگاری آن است که از لحاظ اجتماع خاص نباشد ولی از نظر هنری خاص باشد؛ یعنی مفاهیم آن عام و جهان‌شمول باشد، ولی تجلی زیبایی‌شناختی آن خاص باشد (سجودی، ۱۳۸۵: ۱۵۹).

مضمون پایداری در شعر حمید بن زواری و موسوی گرمارودی ۲۲۳

اولین اشعار ادبیات پایداری در صدر اسلام توسط ابوطالب در ستایش و دفاع از ساحت پیامبر و مسلمانان زجر کشیده سروده شد.

زیباترین سروده‌های پایداری در تاریخ اسلام را باید در حماسه‌ی شگفت و عظیم عاشورا جست و جو کرد.

اولین نمونه‌ی ادبیات پایداری در ایران در نهضت مشهور شعوبیه دیده می‌شود. در قرن چهارم هجری، کسایی مروزی از جمله شاعرانی است که در منقبت و دفاع از امام علی (ع) شعر سرود، و همچنین ناصر خسرو قبادیانی از شاخص‌ترین شاعرانی است که از اهل بیت دفاع می‌کند.

بارزترین دوران ادب پایداری در ایران تا عصر انقلاب اسلامی، عصر مشروطه است.

سید اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال) و دهخدا معروف‌ترین شاعران این دوره هستند.

نکته حائز اهمیت در دو عنصر ستایش آزادی و آزادگی و بازنمایی افق‌های روشن پیروزی، وعده‌ای است که هنرمند به مخاطب خود می‌دهد و او را برای آینده‌ای دیگرگونه تهییج می‌کند. شعر پایداری باید به اجتماع توجه کند و برانگیزنده و هیجان‌آور باشد، اما شعرهای دفاع مقدس در این مجموعه‌ها به شدت فردی است و اغلب تک‌گویی شاعر با یک مخاطب خیالی است.

شعر پایداری قبل از انقلاب دشمن اصلی استبداد داخلی بود و شاعران برای در هم شکستن آن به بیان ظلم و ستم و خفقان موجود می‌پرداختند در شعر مقدس دشمن دیگر داخلی نبود. بلکه کشوری خارجی با حمله مستقیم بخشی از خاک کشور را اشغال کرده و مبارزه با او که از طرف قدرت‌های استعماری نیز حمایت می‌شد رسالت این شعر بود.

تفاوت دیگر این که آرمان‌نهایی شعر پایداری قبل از انقلاب ساقط کردن استبداد و استقرار حکومت مردمی بود. اما در شعر دفاع مقدس شاعران، برای احقاق حقوق اجتماعی مردم خود شعر نمی‌گفتند که در آن دفاع از باورهای مذهبی و اعتقادی اهمیت فراوانی می‌یافت (طاهری، ۱۳۸۷، ۱۴۰).

در شعر جنگ ایران بدون سانسور، به مذهب و ایدئولوژی تاکید می‌شود ولی در شعر مقاومت فلسطین اگر از مضامین دینی سه بعدی استفاده می‌شود. اولاً آرمانی جهانی را در نظر ندارد و شاعران آن همواره از تراژدی شکست سخن می‌گویند در حالی که در شعر دفاع مقدس ایران در سال‌های نخست که بخش قابل توجهی از خاک کشور در اشغال نیروهای دشمن بود همواره از پیروزی سخن

۲۲۴ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

گفته می‌شد و هیچ‌گاه شکست و ناامیدی بر رزمندگان چیره نمی‌شد. در این نوع شعر شاعر از عملکرد خود در قبال انقلاب شهیدان احساس رضایت نمی‌کند و همواره خود را مدیون انقلاب و شهدا می‌داند.

استفاده بیش از حد و مداوم از این کلمات در شعرهای متفاوت از شاعران مختلف، احساس کلیشه‌ای بودن این شعر را به مخاطب منتقل می‌کند و آژه‌هایی مانند: زخم لاله، شکسته خون، نور، شکسته بال یا ترکیب: نخل‌های بی‌سر در بسیاری از اشعار وجود دارد و رنگ‌ها در این شعرها اغلب سرخ و سبز است.

این جریان در سال‌های نخست دهه ۵۰ بعد از سکوتی تقریباً ۱۰ ساله در عرصه سیاست و فرهنگ دوباره نمایان و به گفتمان مسلط این دهه مبدل گشت، که رهبری و به ثمر رساندن انقلاب اسلامی نتیجه فعالیت آن بود.

در حوزه شعر گفتمان، شاعران جوانی را تربیت می‌کرد. شاعرانی که با پشتیبان‌های دینی و مذهبی و توجه به تاریخ صدر اسلام از جمله حوادث و جنگ‌های نخستین پیامبر و پیشوایان دینی قهرمانان مذهبی و همچنین قرآن و احادیث، اشعاری مطابق با آرمان‌های سیاسی انقلاب می‌سرودند. آنها برای تشویق مردم به قیام عمومی به حادثه کربلا و مصائب امام حسین بیشتر توجه می‌کردند و به برقراری رابطه این همانی بین حوادث صدر اسلام و تاریخ سیاسی ایران مردم می‌پرداختند و مردم به سمت خیزش‌های اجتماعی رهنمون می‌شدند (طاهری، ۱۴۱، ۱۳۸۳).

دو شاعر دینی و مذهبی در این سال‌ها حضور چشمگیر داشتند که بعد از انقلاب نیز از پیشکسوتان و در واقع منتقل‌کنندگان تجربیات ادبی قبل از انقلاب به شاعران جوان‌تر بودند. سید علی موسوی گرمارودی با دفترهای عبور از سایه سار نخل ولایت، سرود رگبار در فصل مردم سرخ نشان داد شاعری انقلابی و از حیث توان ادبی هنرمندی باتجربه و خوش ذوق است. طاهر صفارزاده نیز در مجموعه طنین در دل، مضامین دینی را در خدمت انقلاب اسلامی قرار داد. نکته مهمی که می‌توان از شعر انقلاب به میان آورد این است که نمی‌توان از کنار بخش اعظم آن یعنی شعر جنگ و پایداری گذشت. کشور ما از همان سال‌های اول انقلاب با پدیده‌ی حماسه‌ی دفاع مقدس که مردم غیور و مسلمان در دفاع از میهن اسلامی آفریده‌اند گره خورد.

مضمون پایداری در شعر حمید سبزواری و موسوی کرمانودی ۲۲۵

شعر انقلاب و پایداری و شعر متعهد، شعری است که به اخلاق و آرمان وفادار است که در یک واحد معین یعنی مثلاً یک دفتر شعر به راحتی این تعهد و آرمان گرایی قابل بررسی و جستجو است. لذا نباید از شعر متعهد انتظار غیرضروری داشته باشیم. اگر شعرهای شاعری در یک دفتر شعر متکی بر اخلاق و معنویت و نگاهش نگاهی انسانی و دلسوز مردمان و منعکس کننده آفات جامعه و هدایت گر آن باشد باید او را شاعر متعهد نامید.

حمید سبزواری

حمید سبزواری، در سال ۱۳۰۴ در سبزواری زاده شد. پدرش، «عبدالوهاب» پیشه‌ور ساده‌ای بود که قریحه عربی داشت. جدش، ملا محمد صادق ممتحنی، شاعری بود که «مجرم» تخلص می‌کرد و آثار درسی‌اش در مشهد و در حمله راه زنان به یغما رفت. حمید در ۱۳۳۱ ازدواج کرد و یک سال بعد از ازدواج، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رخ داد که برای حمید گرفتاری‌هایی به وجود آورد و او تحت تعقیب قرار گرفت. سبزواری مدتی متواری بود و مدت زمانی را در اسفراین مخفی شد. سبزواری، قبل از مدرسه، قرآن را در خانه و نزد مادر آموخته بود. او بعداً به مدرسه شیخ حسن داورزنی رفت. وی در دوره نوجوانی در سبزواری زندگی می‌کرد. در سبزواری یک کتابفروشی به نام خسروی شعرهای حمید را چاپ کرد و فروخت. حمید می‌خواست این کار را در تهران نیز انجام بدهد لیکن در آن زمان موفق به این کار نشد.

پدر و مادر حمید اولین استادان وی بودند. او جامع‌المقدمات را نزد میرزا حبیب جوینی خوانده بود. حاج آقا محمدعلی محمدی نیز از دیگر استادان وی بود. نوجوانی و جوانی سبزواری در دوران حکومت رضاشاه پهلوی گذشت و تحولات این دوره بر روحیه وی تأثیر گذاشتند. چهارده ساله بود که سرودن شعر را آغاز کرد. در آن سنین از روی کنجکاو به احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف سر می‌زد تا با آراء و نظرات آنها آشنا شود. سبزواری پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ متواری شد. بعداً خود را به شهربانی سبزواری معرفی کرد و چهار سال در وضعی بلا تکلیفی و تعلیق طی کرد تا سرانجام تبرئه شد.

سبزواری ابتدا به شغل معلمی مشغول بود. بعد از حوادث مرداد ۱۳۳۲ از وزارت آموزش و پرورش اخراج شد. وی مدتی در شرکتی که سنگ معدن استخراج می‌کرد در اطراف سبزواری و شاهرود کار کرد و مدتی را نیز با اجاره حمام در سبزواری گذراند. بعدها در بانک تجارت (پس از

انقلاب) مشغول به کار شد. حمید پس از آغاز انقلاب با استعفا دادن از بانک، تمام توان خود را صرف پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران و فعالیت‌های فرهنگی هنری کرد جوایز و نشانه‌ای دولتی سبزواری عبارت است از نشان درجه یک فرهنگ و هنر (۱۳۷۱) چهره ماندگار دوره سوم (۱۳۸۲) حمید سبزواری، بامداد ۲۲ خرداد ۱۳۹۵ در سن ۹۱ سالگی به دلیل کهولت سن و وخامت بیماری در تهران درگذشت.

هر دفتر شعر سبزواری، بخشی از تاریخ و فرهنگ، مبارزات و هوای جمعی ماست. هر شعر او، به راستی خاطره مشترک ما را باز گفته یا درد مشترکی را فریاد کرده است. آثار حمید سبزواری، شناسنامه خشم و خروش آگاهی و حماسه بزرگ ملت‌هایی است که از دیرباز ستم‌ستیزی را سرلوحه کارهای خود قرار داده و همه جا علیه نامردمی‌ها شوریده است. شعر سبزواری، آیین روشنی است که تصویر مبارزات، جوش‌ها و آرزوهای مردم ایران را در نیم قرن اخیر به وضوح نشان می‌دهد. اگر بپذیریم که هر ملتی فرهنگ و تمدن خویش را در شکل و شمایل ویژه‌ای به جهان عرضه کرده است، باید بپذیریم که فرهنگ و تمدن ما در «شعر» تبلور یافته و هنوز هم تأثیرگذارترین هنر در مردم ما «شعر» است (پرویز زاده، ۱۳۸۱، ۳۴).

سیر تحول اشعار سبزواری

سیر تحول اشعار سبزواری را با این عبارت آغاز می‌کنیم؛ «سبزواری پدر شعر انقلاب است» شعرهای قبل از انقلاب سبزواری، نیز دو مرحله است؛ مرحله نخست مربوط به قبل از انقلاب تا قیام ۱۵ خرداد یعنی از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۴۲ بود که شعرهای ایشان در این دوره بیش تر جنبه وطنی داشت و خیلی جهت‌گیری‌های مذهبی و سیاسی نداشت. البته مانند تمام شاعران آن دوره که خفقان یأس و ناامیدی حاکم بر جامعه در اشعارشان موج میزد زبانه‌های موج در اشعار سبزواری نیز به وضوح به چشم می‌خورد. بالغ بر ۲۵ قطعه از اشعار سبزواری در فاصله بین سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۱ سرشار از یأس و ناامیدی و آرزو است. «هذیان»، «زندگانی بی‌اثر»، «مرما»، «شب شاعر»، «در حسرت باران»، «سرگردان»، «اسیر رنگ»، «گور عشق» و «شب و مر» از اشعار سبزواری در این زمان است.

مرحله دوم شعرهای قبل از انقلاب وی بیشتر جهت‌گیری‌های سیاسی و مذهبی پیدا کرد و سمت و سوی اسلامی، بازگشت به خویشتن و هویت اسلامی به خود گرفت، از سال ۴۲ به بعد حدود نیم

مضمون‌پیداری در شعر حمید سبزواری و موسوی کرمانی ۲۲۷

قرن است که ایشان زبان گویایی برای انقلاب و مسائل اسلامی است. علت اصلی این تحول نیز به درس‌گرفتن رهبری جامعه شیعه به وسیله امام خمینی در همان سال‌ها برمی‌گردد.

اشعار این دوره سبزواری بیشتر سیاسی و اجتماعی است و خیلی جنبه شخصی ندارد، محتوای بیشتر شعرهای دوران قبل از انقلاب سبزواری، درباره دوران حاکمیت آن زمان، توصیف نابسامانی‌ها، تشویق به قیام و آگاهی دادن به مردم بوده است، این اندیشه آزادگی و انقلابی بودنش در یکی از ابیات بسیار زیبای وی مبنی بر اینکه «من حمیدم نه ستایشگر هر محمود، حق پرستم نه ستاینده اهریمن» کاملاً مشهود است.

بیشتر اشعار حمید سبزواری انقلابی و درصد بسیار کمی از اشعار وی جزء اشعار عرفانی است که در آن مضامین عرفانی و عاشقانه بیشتر دیده می‌شود، هرچند همان اشعار نیز رنگ و بویی از اعتراض، تحذیر و واگویی دارد، که البته همین اشعار نیز بعد از دستگیری و تبعید امام خمینی و برگشت ناامیدی دوباره به گذشته در دفتر «سرود درد» از سال ۱۳۴۳ به بعد دیده می‌شود.

یکی از مشخص‌ترین و تاثیرگذارترین آثار انقلابی از جهت رویدادها و تحولات در همه سال‌های شاعری به وسیله ایشان سروده شد. سبزواری مورخ شعر انقلاب است. از این منظر شعر حمید سبزواری شعر تاریخ انقلاب است. می‌توان از مطالعه اشعار و آثار سبزواری پی به تحولات تاریخی هم برد. چرا که این اشعار آنقدر زنده و پویاست که همپای تاریخ انقلاب است. همزمان با قیام بنیانگذار انقلاب اسلامی بیشتر اشعار سبزواری با لحن اعتراضی و انتقادی همراه بود و بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی را به نقد می‌کشید. از بیداری بعضی اقشار جامعه گرفته تا درد ملت فلسطین و دیگر ملت‌های مسلمان دغدغه سبزواری است.

سبزواری یکی از شاخص‌ترین چهره‌های ادبی انقلاب اسلامی است و به‌طور خاص تحولی گسترده و تاثیرگذار در حوزه سرود انقلاب اسلامی ایجاد کرد. وی از شاعران تثبیتی پیش از انقلاب بودن و در همان دوران گذشته به عنوان شاعری دینی مطرح بود که این نگاه پس از انقلاب اسلامی با انواع خدماتی که در مسیر آرمان‌های انقلاب داشت و انواع سرودهای ماندگار انقلابی ادامه یافت و در خط مقدم شاعران انقلابی حضور داشت و آثار ماندگاری را خلق کرد که امروز اگر بخواهیم بررسی کنیم آثار شاخص موسیقایی انقلاب از طریق شعرهای وی شکل گرفته است. و عنوان پیر شاعران انقلاب اسلامی کاملاً براننده او است. سبزواری طی سال‌های طولانی یکی از جدیترین مدافعان حریم شعر

انقلاب اسلامی و شعر مذهبی بود و این مسیر را در سال‌ها مجاهدت از پیش از انقلاب اسلامی تا پیش از درگذشت دنبال کرد. از این نظر سرمشق خوبی برای شاعران و هنرمندان جوانی است که به دنبال تاثیرگذاری و جریان‌سازی هستند و این هم پشتکار سبزواری در حقیقت الگویی مناسب و سرمشقی از رسیدن به جایگاهی مناسب و شایسته است. وقتی خاطرات سبزواری در به وجود آوردن سرودهای انقلابی را مرور می‌کنیم، به این نکته می‌رسیم که سبزواری و گروهی که سرودهای انقلابی را از قبل از انقلاب ساخته‌اند بدون هیچ سابقه کاری و با کمترین امکانات توانسته‌اند خاطرات فراوانی از آن دوران در ذهن ملت ایران ایجاد نمایند (بخشوده، ۱۳۸۴، ۴۶).

سرودهای انقلابی از همان آغازین روزهای پس از پیروزی انقلاب مورد توجه مردم و انقلابیون بود. در این بین، اشعار سبزواری بیشترین میزان تأثیر را در میان مردم داشت شاید کسی را همسنگ او در کمی و کیفی سرود انقلابی نتوانیم بیابیم، درحقیقت سبزواری قله‌نشین سرود انقلاب بود که اشعار ارتباط عمیق و معناداری با دل‌های مردم پیدا می‌کرد و حتی غیر انقلابیون هم با شنیدن اشعار آهنگین او به وجد می‌آمدند و هنوز هم این تأثیر هنگام شنیدن اشعار او در میان نسل امروز پابرجاست.

در واقع می‌توان گفت که شکل گرفتن سرودهای انقلابی، به وسیله سبزواری آغاز شد و دیگر شاعرانی که در مورد انقلاب شاعری می‌کردند از طریق ارتباط مؤثر با ایشان کار را پیش می‌بردند. تسلط سبزواری به شعرهای انقلابی در اشعار نمود و تبلور ویژه‌ای داشت به طوری که همگان او را یک پدیده پرتوان در حوزه هنر و ادبیات انقلاب می‌دانستند. انتقال پیام انقلاب به مردم، توانایی ویژه-ای بود که سبزواری با به کارگیری هنر شعر در اختیار داشت، این انتقال پیام، ماندگار بود و قطعاً تا سال‌های سال کمتر کسی ممکن است اشعار حک شده از او در اذهان مردم را فراموش کند.

او در دوران هشت سال جنگ تحمیلی از جمله شاعرانی بود که به صورت سرزده در جبهه‌ها حضور پیدا می‌کرد و صمیمی و بی‌پیرایه در سنگرها کنار رزمندگان می‌نشست و عاشقانه و مخلصانه برای آنها شعر می‌خواند و با اشعار زیبای خود اشتیاق آنها را برای نبرد با دشمن دو چندان می‌کرد. رهبر معظم انقلاب درباره اشعار مرحوم حمید سبزواری گفته‌اند: «انتشار آثار شاعر انقلابی و مخلص جناب آقای حمید سبزواری گامی در جهت غنی‌سازی گنجینه ادبیات انقلاب و عرضه آن به مشتاقان و هنرشناسان است. بی‌شک در قرن‌های آینده هنگامی که بخواهند از انقلاب و اسطوره‌هایی آن یاد کنند، از چهره ماندگار مرحوم حمید سبزواری به نیکی یاد خواهد شد و تاریخ ادبیات کشور نام او را

مضمون پایداری در شعر حمید سبزواری و موسوی گرمارودی ||| ۲۲۹

هم ردیف ادیبان تأثیرگذاری قرار خواهد داد که همچون دیگر نامداران حوزه فرهنگ و ادب ایران زمین منشأ تأثیرگذاری‌های بسیار بوده اند» (سبزواری، ۱۳۶۷، ۷۸).

شیوه‌ای که سبزواری در سرودن اشعار در پیش گرفته بود؛ نوعی ملی‌گرایی مذهبی بود که نمونه آن را در شعر شاعران دیگر کمتر سراغ داریم. ملی‌گرایی مذهبی حمید سبزواری طوری است که او به مفاخر و اسطوره‌های تاریخی و افسانه‌ای ایران نمی‌بالد بلکه، شهیدان و مبارزان راه آزادی را اسطوره‌هایی می‌داند که مردم ایران باید به آنان مباحثات کنند، افتخاری که در کنار رهبری فرزانه هم به آن رنگ و بویی دینی و مذهبی می‌دهد و دیگر اینکه این افتخار را دو چندان می‌کند.

همزمان با شروع نهضت اسلامی امام افق جدیدی به روی اشعار وی گشوده شد و اشعار این برجسته زبان و ادب فارسی با حال و هوای جدیدی مواجه شد. گویی پنجره‌ای رو به خورشید در مقابل چشمان او باز شد. او توانست شکل‌گیری جریان انقلاب اسلامی را در دو قصیده خود، پیش‌بینی کند. سبزواری با تفکر انقلابی که داشت، وقوع انقلاب را چند سال پیش از پیروزی پیش‌بینی کرده بود. زیرا سبزواری با اشعار خود سایه به سایه با جریان انقلاب گام برمی‌داشت درحالی که هنوز هیچ انقلابی صورت نگرفته بود.

بیشتر شعرهای سبزواری در قبل از انقلاب اسلامی ریشه در قیام امام خمینی (ره) دارد. سبزواری در موقعیت‌های زمانی مختلف نقش خود را در انقلاب ایفا کرده است، وی در اوج دوران انقلاب اسلامی روحیه انقلابی خود را حفظ کرده بود و هیچگاه از همراهی با انقلاب و آرمان‌های آن خسته نشد او در تمامی لحظات انقلاب اسلامی در صحنه مبارزه و گستره تفکر انقلابی حضور داشت. و چون سربازی وظیفه‌شناس حس پاسداری از ارزش‌های اسلامی و حضور در رویدادها و صحنه‌های اجتماعی و سیاسی را در خود تقویت می‌کرد.

در شعر قبل از انقلاب سبزواری مضمون‌هایی چون؛ یأس و ناامیدی، واگوی‌ها و تحذیر و اعتراض، اشعار آیینی، گرامی‌داشت آزادی و مبارزین راه آزادی، بازگویی رویدادها و وقایع انقلاب و موضع رهبری امام خمینی در پیروزی انقلاب، به ترتیب بیشترین اشعار را در «سرود درد» دارد.

در شعر بعد از پیروزی انقلاب و جنگ سبزواری همان مضامین شعر انقلاب ادامه دارد، البته با نگاه‌های جدید رویدادها و وقایع جنگ با دقت بیشتری دنبال شده است، هر واقعه‌ای که کمترین دخالت در تاریخ ایران آن دوران دارد از نگاه سبزواری دور نمانده است، از اولین نماز جمعه بعد از انقلاب تا

کشتار مردم پاوه به دست مجاهدین خلق تا ترورهای شخصیت‌های انقلاب به دست منافقین، عملیات- های جنگ پیروزی‌ها و شکست‌ها، شهادت مسافرین هواپیما مسافربری همه و همه از دغدغه‌های سبزواری در اشعار دفاع مقدس او می‌باشد. تعداد اشعار آیینی سبزواری در این دوره نسبت به دوره قبل از انقلاب کمتر شده است، اما توجه به ولایت و رهبری امام خمینی در پیشبرد اهداف انقلاب بیشتر به چشم می‌خورد. نکته بسیار مهم در اشعار جنگ سبزواری توجه بسیار زیاد به بیداری اسلامی در تمام سرزمین‌های اسلامی است و یک به یک از آنها یاد می‌کند. در شعر دفاع مقدس سبزواری استفاده از نمادهای عاشورایی و و توسل به امام حسین بیش تر از دوره‌های دیگر آمده است و رنگ و بوی شعر این دوره را بیشتر ولایی کرده است.

(گرمارودی، ۱۳۸۴، ۵۶).

در سال‌های پایانی جنگ نیز شعر اعتراض و تحذیر از دیگر موضوعات پیشی می‌گیرد و حال و هوای مضامین پایداری کمتر می‌شود البته نه اینکه شاعر یادی از جنگ نمی‌کند بلکه تمام این واگوی‌ها هم در ارتباط با بی‌توجهی بعضی مردم به دستاوردهای دفاع مقدس و از یاد بردن رشادت‌ها و فراموش کردن خون‌هایی است که برای دفاع از میهن، ناموس و دین بر زمین ریخته است.

موسوی گرمارودی

موسوی گرمارودی، در تاریخ ۳۱ فروردین ماه سال ۱۳۲۰، در محله چهارمران قم به دنیا آمد و از پنج سالگی آموزش را نزد پدر آغاز نمود و پس از گذران تحصیلات مقدماتی در قم، همراه پدر به مشهد رفت و پس از فراگیری علوم دینی، ۴ سال بعد به قم بازگشت. او با قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و دستگیری امام خمینی (ره)، همراه پدر به شهر ری آمد. گرمارودی از اسفند سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰، سرپرست انتشارات انقلاب اسلامی بود. این موسسه که در ابتدا فرانکلین نام داشت، در اواخر دهه ۱۳۶۰، با ادغام در «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» از صورت مؤسسه خارج و از آغاز سال ۱۳۷۳، با نام «شرکت انتشارات علمی و فرهنگی» با انتشارات علمی و فرهنگی «بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق» ادغام شد.

سیر تحول شعر موسوی گرمارودی

با ظهور شعر نیمایی و سپید در ادبیات فارسی و ساختارشکنی در قالب و محتوای اشعار، جریان نو در بین شاعران به راه افتاد و بیشتر روشنفکران جامعه به این نوع شعر رو آوردند. با تمایل زیاد شاعران این دوره به هنجارشکنی و گریز از قید و بندهای رایج در ادبیات و همچنین اقبال گسترده به آثار ترجمه، مضامین بیگانه و غرب زده وارد حوزه شعر شد. و نوعی نزاع فکری و رقابت بین شاعران تجددگرا و سنت گرا شکل گرفت موسوی گرمارودی در دهه پنجاه و دقیقاً در زمانی که در بالا گفته شد سرودن شعر را آغاز کرد. زمان نزول شعر سنتی در بین روشنفکران در شعر نو نیز کسانی چون نیما، سهراب سپهری، شاملو، اخوان و فروغ در اوج قرار داشتند، اما موسوی با سرودن شعر نو «خاستگاه نور» در موضوع بعثت پیامبر (ص) با جسارت فراوان وارد این عرصه شد تا بتواند با طرزی نو تر از شعر نو، خود را از دیگران برتر نشان دهد. شیوه‌های که گرمارودی برای سرودن اشعار نو خود در پیش گرفت تلفیق نوپردازی با مذهب بود. چیزی که در آن زمان نه تنها شاعران نوپرداز با آن آشنا نبودند بلکه بعضی از آنان حتی با آوردن سنت و آیین در شعر مخالف هم بودند. اما موسوی گرمارودی توانست در ابتدای کار خود با شعر نو آیینی و بعدها در اشعاری مانند «خط خون» و «در سایه سار نخل ولایت» شعر سپید را هم با شعر ولایی و آیینی درهم آمیزد و این نوع شعر را به نام خود به ثبت برساند.

شعر موسوی را می‌توان فقط با موسوی شناخت زیرا که او توانست با استفاده از گستره واژگان بسیار، استفاده فراوان از نماد و اسطوره و همراه کردن آنها با ادبیات مقاومت سبکی نو در سرودن اشعار به وجود آورد. با چنین باستان‌گرایی زبانی که در اشعار وی دیده می‌شود مخاطب گمان می‌برد که دایره واژگانی شعر او باید محدود به دوران قدیم باشد و لاجرم شعر باید ساختاری سمبلیک همچون شعر سنتی فارسی داشته باشد اما درست برعکس! نه تنها شعر ایشان از واژگانی امروزی تهی نیست بلکه اتفاقاً پر است از کلماتی که روساخت شعر را نیز مدرن می‌کنند و دیگر اینکه در ترکیب نشانه‌ها و نمادهای کهنه با فضا و ترکیب ای امروزی، زبانی کاملاً به روز ایجاد کرده است (بخشوده، ۵۴، ۱۳۸۴).

اشعار نو در کارنامه شعری موسوی گرمارودی در واقع قله محسوب می‌شوند چرا که درخشان‌ترین رگه‌های سرایش مدرن، واقع‌گرا و جزئی‌نگر را می‌توان در آنها یافت و در عین حال آنها را از نظر فرم و نوع بیان از آثار پیشرو زمان خود دانست. با این همه، محتواگرایی و آن هم تمایلی آشکار به

عرصه‌های دینی و انقلابی را می‌توان مهم‌ترین مشخصه شعری ایشان دانست. عرصه‌ای که در آن روح حماسی موج می‌زند و حتی به تغزل و سوگ رنگی از ادبیات پایداری داده است. شعر گرم‌رویی از لحاظ رویکرد هدایت قالبی نیز، شایان توجه است. او و شعر، پیشنهادی تازه برای شعر سپید پارسی بودند، شعری که گمان می‌رفت عمر آن دیری نپاید، اما موسوی نشان داد که با نگرشی نو به شعر نو می‌توان آن را جاویدان ساخت.

گسترده‌گی واژگان، استفاده فراوان - و گاهی اوقات بیش از حد- نماد و اسطوره در شعر در تمامی اشعار موسوی چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن می‌توان دید و شاید همین امر باعث شده است که شعر موسوی یکدست نباشد و حتی در خود اشعاری که نمونه والای شعر موسوی است این یکدستی را نمی‌توان مشاهده نمود.

موسوی در شعر سنتی نیز مانند اشعار نو خود نماینده شعر آیینی است. روش سروده‌های سنتی آیینی شاعر همان روش سنتی این نوع شعر است، البته با زبان و فضایی گاه‌نوتر، مانند ترکیب‌بند «آغاز روشنایی آینه» که شعری در موضوع عاشورا است. شعر سنتی وی نسبتاً متعادل و متناسب با عصر زمان خود می‌بینیم، شعری مانند تمام شاعران دیگر تغییرات موضوعی شعر وی در دروه‌های قبل و بعد از انقلاب زیاد به چشم نمی‌خورد. شعر آیینی در صدر موضوعات شعر موسوی قرار دارد و به طور پراکنده در تمام ادوار اشعار پایداری وی نیز فراوان است (بهبودی، ۱۳۷۷، ۸۷).

حضور مبارزان شاعر و شاعران مبارز تأثیر بسیار مهمی در پایداری مردم ایفا می‌کند و از آنجا که گرم‌رویی خود در قبل از انقلاب، زندان ساواک را تجربه کرده است و بعد از انقلاب نیز خود به عنوان یک مسئول سیاسی در صحنه حضور داشته، شعر پایداری او نیز نماینده اشعار پایداری عصر خود می‌باشد و تأثیری که وی به جا گذاشته است، باعث شده تا اشعار که در واقع شناسنامه اوست، به وادی فراموشی سپرده نشود؛ او شوربختی مردم زمانش را با عمق وجود در کرده و پا در رکاب مبارزه علنی گذاشته است و به روشنگری ظلم و ستم استبداد و بیدادگران پرداخته است (بهلولی، ۱۳۸۸، ۲۳).

موسوی گرم‌رویی با سرودن چکامه‌های پایداری و در کنار آن آیینی بودن آثار به عنوان یکی از بنیان‌گذاران شعر انقلاب شناخته شده است. اشعار این دو در واقع، آواز زیباترین پایداری‌ها و بازتاب فریاد مردمی است که در مقابل بیدادها و بی‌عدالتی‌ها ساکت نمانده و صدای اعتراض خود را به آسمان رسانده‌اند.

مضمون پایداری در شعر حمید سبزواری و موسوی گرمارودی ||| ۲۳۳

در شعر جنگ موسوی گرمارودی نیز با همان مفاهیم و مضامین شعر آیینی روبرو هستیم و در کنار آن درون مایه های شهید، شهادت، مبارزان و ستایش از آنان نیز وجود دارد که از مفاهیمی است که در ادبیات پایداری جلوه خاصی می یابد و به عنوان رمز فداکاری و ایثار بکار می رود. موسوی گرمارودی نیز از آن مستثنی نیست، بلکه با در کنار هم قرار دادن آرایه های ادبی و مفاهیم جدید و این نماهای ملی، مجالی برای متبلور شدن آرمان های شاعر به وجود آورده است.

یکی از مهمترین ویژگی هایی که در شعر موسوی گرمارودی، قبل و بعد از انقلاب و در زمان جنگ، بسیار مشهود است در کنار اشعار آیینی خود همیشه به وضع موجود جامعه آگاه بوده و مضامین هر دوره را در شعر خود آورده است. در زمان جنگ نیز که ذهن تمام مردم ایران به طرف جبهه ها و رزمندگان بوده است، این موضوع در شعر وی تجلی یافته است و باز تاب مضامین جبهه، جنگ، شهید و شهادت در شعر می توان یافت. بیشترین اشعار وی مربوط به شهید و پاسداشت مقام شهید می باشد. این موضوع در آثار او به قبل یا بعد از انقلاب یا زمان جنگ مربوط نمی شود. بلکه از همان زمان که شعر «خط خون» را در سال ۱۳۵۶ سرود شهادت سیدالشهدا او به کار و داشت و اشعار زمان انقلاب او به پاس مقاومت همزمانش در جبهه انقلاب و مبارزه با رژیم شاه بود و آنگاه که جنگ شروع شد شعر وی سرشار از وصف سرداران و رزمندگانی است که در راه میهن و ناموس و دین، جان خود را بر کف دست قرار داده بودند و مبارزه می کردند و سرانجام در این راه به شهادت رسیدند (حسنعلی، ۶۵، ۱۳۸۴).

وسعت موضوعی اشعار موسوی به قدری است که درس های اخیر آنها را به صورت جداگانه و موضوعی و با توجه به قالب شعر تقسیم بندی کرده و به چاپ رسانده است.

کتاب های «برافشاندن گیسوی تا» مجموعه غزل، «سفر به فطرت گلسنک» مجموعه قصاید و قطعات «تا محراب آن دو ابرو»، مجموعه مثنوی ها «خواب ارغوانی»، مجموعه شعرهای دفاع مقدس «گوشواره های»، عنوان شعرهای آیینی «پیوند زیتون بر شاخه ترنج»، مجموعه شعرهای نیمایی، جدید، سبید و آزاد و «آغاز روشنائی آینه»، ترکیب بند ۱۵ بندی عاشورایی عنوان مجموعه های جدید علی موسوی گرمارودی است که در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است.

«آغاز روشنائی آینه» یک ترکیب بند ۱۵ بندی عاشورایی مجموعه ای است همگن و دلنشین از مهمترین دستاوردهای شعر آیینی در سال های گذشته. بند نخست با نام «از گلوی غمگین فرات»، خط

۲۳۴ // دو ضمیمه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

آبی شاعرانه است به فرات با این ابیات: «ما مردگان زنده کجا، کربلا کجا / بی تشنگی چه سود گر آبی فراهم است؟» و «آه ای فرات که تو هم می گریستی / آسوده، بی خروش، روان بهر کیستی؟». «خواب ارغوانی» مجموعه شعری از علی موسوی گرمارودی در حوزه دفاع مقدس است که بیشتر مباحث این دفتر نیز از کتاب «خواب ارغوانی» در موضوع پایداری و دفاع مقدس است. اشعار مجموعه «خواب ارغوانی» در قالب های غزل، مثنوی، قطعه، چکامه، نیمایی و شعر سپید سروده شده اند. شعرهای این مجموعه چنانچه خود نویسنده در مقدمه به آن اشاره کرده است شامل ۳ بخش می شود:

بخش اول، گزیده های از شعرهای پیش از انقلاب است که در ایام مبارزه با رژیم (چه پیش از زندان ساواک و چه در زندان و چه در دوران شکل گیری انقلاب) سروده شده اند و اغلب از تاریخ سرایش پی به زمان آنها می توان برد.

بخش دوم، شعرهای مربوط به شهادت، خواه شهدای دوران شکل گیری انقلاب یا شهدای بعد از انقلاب و خواه شهدای دفاع مقدس یا شهدای محراب و امثال آنها. و بخش سوم شعرهایی است که به خود جنگ و دفاع مقدس مستقیم پرداخته اند و البته هر سه نوع، شعر دفاع مقدس است. شعرهای این مجموعه بر اساس نوع قالب تنظیم شده تا هر بخش اشعار متناسب با قالب خود را داشته باشد.

«باغ رنگ، نیرنگ پر تلایی گل بیشه های نور، دشت شهیدان، صدای کبک دری، خواب ارغوانی، غزه، از شهاب با کهکشان، آن سیاوشان، آن جان آبی و سوز و آواز فناری» از جمله اشعاری هستند که در قالب غزل سروده شده اند و بخش نخست این دفتر را تشکیل می دهند (گرمارودی، ۳۴، ۱۳۸۴).

شعر خط خون گرمارودی

عنوان این دفتر برگرفته از شعری پرشکوه و زیباست که گرمارودی در سال ۱۳۵۸ در باره سالارش، حسین بن علی علیه السلام سروده است و عبداللطیف الزبیدی شاعر و ادیب تونسسی، آن را به شیوایی تمام به عربی ترجمه کرده و در پایان همین مقاله آمده است. سفید بختی، ولادت دوباره، آفتاب سیاه، سپیده هشتم، پاسدار، مومیایی، اما چگونه زیستن، چمران، مر سرخ، و با من بیا، بخشی از ۳۱ شعر آزاد گرمارودی در این دفتر است.

اما چگونه زیستن:

زیستن گاهی گلی ست / اما هزار گونه تواند بود: / با ساقه‌ای رشید / چو سو سبز با دستکی نحیف / چون نیلوفر... / ما کجا، آن خوب، آن زیبا کجا (گرمارودی، ۱۳۸۹، ۲۰۹).

این اثر، دربرگیرنده چند شعر ویژه برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که در قالبی متن نوع سروده شده‌اند. عنوان این دفتر از شعری به همین نام گرفته شده است:

راستی آیا علی از جنت ماست در شگفتم، عمق این دریا کجاست
طول و عرض او چه دانی تا کجاست آدمیزادی در ابعاد خداست
ما کجا، آن خوب، آن زیبا کجا او امیر عشق، ما، عبد هوا
(گرمارودی، ۱۳۸۸، ۴۸۹)

چاپ اول این دفتر، در سال ۱۳۷۲، در ۴۰ صفحه، به وسیله مؤسسه فرهنگی، انتشاراتی معارف انجام گرفته است.

مجموعه شعری «خط خون» لغات و اصطلاحات انقلابی و جنگی:

زمان سیری ناپذیر است / بین شهادت و شقاوت / فاصله / به درازای تفنگی ست / تا در کدام سوی آن ایستاده باشی! (گرمارودی، ۱۳۸۷، ۲۳).

معنی: روزگار سیر نمی‌شود. فاصله‌ی بین شهادت و شقاوت به درازای تفنگی است. و به تو بستگی دارد که در کدام طرف آن ایستاده باشی.

سلاح ما عشق / و داورمان شمشیر / و یاورمان / باورمان خواهد بود (همان، ۵۳).

معنی: سلاح ما عشقمان و داورمان شمشیرمان و یاور و همراهمان، باور و عقایدمان خواهد بود. همزاد انقلاب / از قلب شب برآمد و پایید / از متن رنج و خون / وینک چو انقلاب / یک ساله شد (همان، ۶۳).

این شعر در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۸ که اولین سالگرد انقلاب اسلامی بوده، سروده شده است.

معنی: همسال انقلاب از درون شب و از متن سختی و خون ظاهر شد و پایدار ماند. و اینک انقلاب یک ساله شد.

این پاسدار شب شکن من / آرام بیقرار / چون برج‌های قلعه‌ی استقلال / نستوه و پایدار / جان مرا می - پاید (همان، ۳۲).

۲۳۶ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

معنی: این نگاهبان دشمن کش من، به مانند برجهای قلعه‌ی آرام و بی‌تاب، پایدار و بدون خستگی نگاهبان روح و جان من است.

انگشت روی ماشه / آماده‌ی چکاندن / خونش / در دسترس: / آماده‌ی فشاندن / در راه انقلاب (همان، ۳۵).

معنی: انگشتش روی ماشه‌ی تفنگ و آماده‌ی شلیک است. خونش در دسترس و آماده‌ی ریختن در راه انقلاب است.

واژگانی بیاب / که رنگ انواع خون را / تواند نوشت: / خونی که می‌دهی / خونی که می‌گیری / خونی که می‌فشانی / خونی که می‌خوری / خونی که می‌رود (همان، ۳۱).

معنی: واژگانی را پیدا کن که بتواند رنگ انواع خون را بنویسد. خونی که در راه کسی می‌دهی، خونی که می‌ریزی، خونی که می‌فشانی، خونی که به ناحق می‌خوری، خونی که می‌رود.

جنگ بدریست / که زمین را پوک می‌کند / و خزان می‌رویند (همان، ۱۵).

جنگ به عنوان بدری است که اگر آن را در زمین بکاری. زمین را سرسبز نمی‌کند بلکه خشکی به بار می‌آورد.

آه، ای همه شمایان / در ارتش دلاور ایران / ای چکمه‌تان / انباشته ز صولت پولاد / چشمانتان عقاب / دستانتان مسلسل (همان، ۱۱).

معنی: آه ای همه‌ی شماهایی که در ارتش دلاور ایران هستید. ای کسانی که چکمه‌هایتان پولادین و چشمانتان به مانند چشمان عقاب تیز است و دستانتان به مانند مسلسل، پیاپی تیراندازی می‌کند.

در جنگل جوانی و ماندن: / چون انفجار / در خود فشردن، / در خود گشودن / در خود شکستن / با فریاد: / با اختیار مرگ / آزاده زیستن / در ارغوان پاک شهادت (همان، ۱۳).

معنی: در جنگل جوانی و ماندن: به مانند انفجار خود را در فشار قرار می‌دهی. و در خود پیروز می‌شوی و می‌شکنی. و با فریاد و با انتخاب مرگ و آزاده زندگی کردن در ارغوان پاک شهادت قرار می‌گیری.

خوشا - حتی - شمشیر / که با عبور می‌کشد / تفنگ سلاح هیاهوست / و قرن، قرن صدا (همان، ۹۰۹).

مضمون پایداری در شعر حمید سبزواری و موسوی گرمارودی ۲۳۷\|\|\|

خوش به حال شمشیر که تنها با عبور کردن کسی را می‌کشد. تفنگ سلاح پر سر و صدایی است و زمان، زمان صداست.

بگذار بگریم / خون تو، در اشک ما تداوم یافت / و اشک ما، صیقل گرفت / شمشیر شد / و در چشم خانه‌ی ستم نشست (همان، ۹۶۱).

معنی: بگذار گریه کنم خون تو، موجب تداوم یافتن اشک ما شد. و اشک‌های ما صیقل یافت. و به عنوان شمشیری در چشم ستم جای گرفت.

بررسی تطبیقی دو شاعر

از شاخص‌ترین مؤلفه‌های مضمونی شعر انقلاب استبداد ستیزی، وطن دوستی و آزادی خواهی است. شعر انقلاب هر چند لهجه‌ای انقلابی دارد، این شعر با این مضامین را می‌توان در شعر بسیاری از شاعران قبل از انقلاب دید، جریانی که از عهد مشروطیت شروع شد و تا حکومت پهلوی نیز ادامه داشت. شاعرانی مانند نیما، اخوان از بیداد نالیده‌اند اما کاری که با شعر سبزواری و در ادامه راه، شاعرانی مانند صفارزاده و موسوی گرمارودی آغاز شد، شعری بود که مضامین آن با هنجارها و ارزش‌های انقلاب اسلامی انطباق داشت، شاعران مذهبی مانند سبزواری و موسوی گرمارودی حرکتی را در سرودن اشعار پایداری آغاز کردند که به یک جریان ادب پایداری به نام «شعر انقلاب اسلامی» معروف شده است.

یأس و ناامیدی حاکم بر جامعه پس از وقایعی مانند کودتای سال ۱۳۳۲ و خفقان حاکم بر جامعه فرهنگی آن زمان با قیام تاریخی ۱۵ خرداد سال ۴۲، کمرنگ شد و شعر یأس به شعر امید تبدیل شد، از همین رو این مقطع تاریخی را باید به عنوانی یکی از مراحل تکوین و تاریخ تولد شعر انقلاب اسلامی بدانیم. شاعرانی مانند سبزواری از ابتدای این تولد و موسوی گرمارودی با همراه شدن به این رودخانه خروشان در سال‌های بعد به تکمیل شدن سیر تحول اشعار پایداری کمک نمودند. با پیروزی انقلاب در بهمن ماه ۵۷ و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی و تأثیرپذیری شاعران معاصر از شخصی انقلابی و معنوی و اجتماعی حضرت امام (ره)، مضامین ادبیات معاصر تغییر کرد و «گفتمان ادبی» جدیدی در حوزه ادبیات معاصر شکل گرفت که این گفتمان برآمده از بطن فرهنگ دینی و انقلابی و مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و قرآنی بود، و در کنار آن از مبارزان راه آزادی تجلی می‌کند و ثمرات پیروزی انقلاب اسلامی به دیگر ملت‌های مسلمان گوشزد می‌کند.

کسانی که سخنرانی توفنده و انقلابی حضرت امام (ره) را در بهشت زهرا به یاد می‌آورند، حتماً سویه‌ای متأثرکننده و در عین حال برانگیزاننده انقلاب را که مردم در شعارهای انقلاب در کوچه و خیابان فریاد می‌زدند و در صدا و سیمای ایران پس از انقلاب طنین انداز بود و در کنار آن سروده‌هایی که همزمان با انقلاب در سخت‌ترین شرایط ممکن و تقریباً بدون هیچ‌گونه امکاناتی صورت می‌گرفت، سروده‌هایی که بیشتر اشعار آن، سروده کسی جز حمید سبزواری شاعر پای کار انقلاب نبود اشعار این سروده‌ها از یک طرف حاکی از عشق و علاقه سبزواری به انقلاب امام و آرمان‌های انقلاب است و از سوی دیگر بیانگر این است که چگونه با تیزبینی و آینه‌نگری انقلابی، ضرورت‌ها و مناسب‌ها را در می‌یافتند، و رای بیان شور و حال هر یک از این مناسب‌ها، سرودی درخور و گویا و پرمعنایی می‌ساختند. چیزی که پس از آن هم ادامه یافت، و در سال‌های شکوهمند انقلاب اسلامی هم تداوم پیدا کرد (دلاویز، ۳۴، ۱۳۹۰).

سبزواری در سال‌های انقلاب، در موقعیت‌ها و مناسب‌ها را، با آرمان‌های والایی که داشت درهم آمیخت، به نحوی که همواره بر آن بود تا در پیامد شعر و سرودی که ساخته است، تأثیر مثبت و پویایی در میان مردم و به ویژه جوانان ایجاد کند. یعنی درس همان خصیصه بارزی که ویژگی هنر متعهد است، و هنرمند متعهد می‌بایست در پی آن باشد. طبعاً این شاعر مکتب امام (ره) که سپیدمنشی و اندیشه‌های انقلابی ایشان بود، بیش از هر کس دیگری این مسئولیت و تعهد را درک می‌کرد.

مهمترین ویژگی اشعار سبزواری در هر زمانی که تصمیم به سرودن شعر کرده است در موقعی آن زمان است و می‌توان گفت که سبزواری تاریخ زمانمند انقلاب است. زمانی که دفاتر شعر سبزواری را بررسی می‌کنیم از اولین شعر او در دفتر «سرود درد» در سال ۱۳۳۶ تا پایان عمر چیزی جز شور انقلابی، بیزاری از ظلم و بیداد، بزرگداشت یاد مبارزان راه آزادی و شهید و شهادت و در کنار آن یاد عاشورا و شهدای کربلا و پیروی از خط ولایت چیز دیگری نمی‌بینیم، حتی زمانی که شعر رنگ و بوی آیینی می‌گیرد نهایتاً به مفاهیم پایداری و مقاومت اسلامی ختم می‌شود. تنها چیزی که شعر سبزواری را در دوره‌های مختلف متفاوت کرده است تعداد پرداختن به موضوعات مختلف ادبیات پایداری است. به عنوان مثال؛ یأس و ناامیدی که در غالب اشعار شاعران دهه ۴۰ دیده می‌شود در شعر سبزواری نیز وجود دارد اما در دهه ۵۰ یأس‌ها به امید تبدیل می‌شود. این امید بخشی به مبارزان بیشترین بسامد موضوع شعر را در این دوره دارد. در ادامه با پیروزی انقلاب بیشترین موضوعات شعری

مضمون پایداری در شعر حمید سبزواری و موسوی گرمارودی ۲۳۹

وی؛ بازگویی وقایع و رویداد هایی است که در آن زمان تا شروع جنگ دغدغه تمام مردم و نیز سبزواری است. وی تمام وقایع را با ریزینی تمام می‌بیند و شعری در خور برای آن می‌سراید. از اقامه اولین نماز جمعه در تهران تا کشتار مردم پاوه به دست منافقین و ترور شخصیت‌های انقلاب در شعر بعد از انقلاب سبزواری دیده می‌شود (شهری برابادی، ۱۳۶۶، ۶۷).

ارائه تعریف مانع و جامع از شعر پایداری جنگ کار سختی است، ولی می‌توان به طور اجمال به مؤلفه‌های این گونه ادبی اشاره کرد. مؤلفه‌ها مانند برجسته کردن و تشخیص بخشیدن به پیام‌های انسانی، بیزاری از ظلم نو بودن محتوی و فرم و ساختاری متفاوت با گذشته، استفاده از قالب‌های نیمایی و سپید در این نوع شعر، بهره‌گیری از نمادهای ملی و دینی در حوزه اسطوره‌سازی و تلفیق این دو با هم، نکته‌ای که در این جا باید به آن اشاره شود سیر تحول از ادبیات جنگ به ادبیات پایداری است. شاعر جنگ با زبانی شعاری و مستقیم به روایت جنگ و فراز و نشیب‌های آن می‌نشیند. بیشتر این اشعار نیز از بار عاطفی و احساسی قوی برخوردارند و مخاطب عام را ناخودآگاه تحت تأثیر قرار می‌دهند. شاعر بیشتر به کارکرد تاریخی و اجتماعی شعر نظر دارد و هدف او پیام‌رسانی و ابلاغ آموزه هدایت دینی و حماسی به مخاطبین است. البته این یک امر طبیعی است که شاعران انقلاب، در سال‌های آغازین دفاع مقدس، بیشتر درصدد همدردی و همدلی با مردم بوده‌اند و به عنوان یک هنرمند مسلمان، به مسئولیت انسانی خویش عمل کرده‌اند. سبزواری نیز در اشعاری که در موضوع جنگ سروده به همین شیوه عمل کرده است و بیشترین مفاهیم شعری او تهییج و برانگیختن است، ولی هرچه از شروع دفاع مقدس فاصله گرفته‌ایم و در سال‌های میانی جنگ این نوع نگاه کم‌رنگ‌تر شده است و شاعران بیش از پیش، از منظر ادبی و هنری به جنگ نگاه کرده‌اند (زاهدی، ۱۳۸۱، ۶۷).

از این جا به بعد اشعار شاعران در حیطه شعر مقاومت و پایداری شکل می‌گیرد. این گونه ادبی از جامعی بیشتری برخوردار بوده و ساختار آن بر بنیادهای زیباشناسانه است استوار است. در شعر پایداری، سبزواری دیگر مستقیماً به حوادث، عملیات و نام شهدا نمی‌پردازد، بلکه با رویکردی عمیقتر، فلسفی‌تر و معاصرتر به موضوعی به نام "جنگ" نگاه می‌کند. در حوزه شعر مقاومت و پایداری، نگاه وی فقط به جنگ تحمیلی هشت ساله متوقف نمی‌ماند، بلکه پیام‌های انسانی این حادث تاریخی را درونی می‌کند و به جهان ارائه می‌دهد.

سبزواری و موسوی گرمارودی به عنوان دو شاعر شعر پایداری به دنبال زبانی برای گفتگو با هم مردم جهان هستند. مردمی که طعم تلخ بیداد تبعیض و جنگ را چشیده‌اند و مقاومت و پایداری را تجربه کرده‌اند. در واقع، شاعران در حوزه شعر پایداری، پیام‌های انسانی و فلسفی به نام مقاومت را می‌گیرند. و به آنها تشخص جهانی می‌بخشند. پیام‌هایی همچون: آزادی، حق طلبی، عدالت خواهی، وطن پرستی، ایثار و جانبازی. از آنجا که این پیام‌ها به مرزهای جغرافیایی محدود نمایش بود، طبیعتاً دایره مخاطبان شعر، گسترش می‌یابد. در شعر پایداری این دو شاعر، بخصوص موسوی گرمارودی؛ مقاومت و پایمردی انسان را در برابر ظلم، تجاوز، زیاده‌خواهی و بی‌عدالتی به گونه‌ای به تصویر می‌کشد که هم مردم جهان با اسطوره‌ها و نمادهای شعری او احساس پیوستگی و همذات‌پنداری می‌کنند و از همین منظر، تأثیر گذاری، نفوذ و ماندگاری این شعر، بیشتر از شعر جنگ است (علی پور، ۱۳۸۹، ۴۵).

نکته‌ای که در این جا لازم است یادآوری شود نگاه به شعر پایداری نباید همیشه از موضع تأیید و شیفتگی باشد، بلکه گاهی لازم است که از موضع نقد نیز این پدیده را مورد کالبد شکافی قرار دهند و به ابعاد دیگری از آن نظر داشته باشند. مواردی که تا کنون یا به آن اصلاً توجهی نشده و یا کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. اگر از زمان شروع نهضت اسلامی امام خمینی از سال ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن هشت سال دفاع مقدس و وقایع پس از جنگ را در نظر بگیریم، می‌بینیم که کمتر ملتی است که تا این حد یعنی بیشتر از ۵۰ سال ادبیات پایداری پیوسته با یک موضوع و مفهوم مشترک داشته باشد و با توجه به این قدم، پژوهش‌ها و تحقیقات بسیار کم انجام شده، علاوه بر این کمتر در جهان شناخته شده است. یکی از علل آن می‌تواند نبود ترجمه‌های مناسب از آثار ادبیات پایداری فارسی به زبان‌های دیگر باشد که مورد غفلت قرار گرفته است لازم است تا با تقویت ادبیات تطبیقی پایداری زمینه‌های رشد و گستره جهانی این نوع ادبی بیش از پیش مهیا گردد.

با ظهور شعر نیمایی و سپید در ادبیات فارسی و ساختارشکنی در قالب و محتوای اشعار، جریانی نو در بین شاعران به راه افتاد و بیشتر روشنفکران جامعه به این نوع شعر رو آوردند. با تمایل زیاد شاعران این دوره به هنجارشکنی و گریز از قید و بندهای رایج در ادبیات و همچنین اقبال گسترده به آثار ترجمه، مضامین بیگانه و غرب زده وارد حوزه شعر شد و نوعی نزاع فکری و رقابت بین شاعران تجددگرا و سنت گرا شکل گرفت. در این بین کم بودند شاعرانی که به دور از غرب زدگی بتوانند

مضمون‌پداری در شعر حمید بزرواری و موسوی گرمارودی ۲۴۱

مضامین صحیح و سالم را در قالب جدی دو مورد قبول نسل پیش رو ارائه نمایند. از نخستین شاعرانی که تلاش‌های گسترده‌ای در این زمینه داشت و در آن دوره گذار نمونه اشعار موفق را پدید آورد سید علی موسوی گرمارودی بود. با مرور تاریخ سرودن برخی از اشعار وی به این واقعی می‌رسیم که چقدر مضامین و کلام گرمارودی در زمان خود بزرگ و البته به روز و همراه با نوآوری بوده و کارکرد اصلی آن مقابله با اشعار سست و بی‌اساس بسیاری از شاعران آن دوران بوده است.

تلقی همه از شعر مذهبی و دینی، همان تکرار کلیشه‌های نخ‌نمای دوره قاجار است، همان مرثیه‌ها و سوگواره‌ها و این که زبان شعر امروز ربطی به امور مذهبی ندارد. همچنین مجلاتی که در آن زمان اشعار نو و سپید شاعران نوگرا را چاپ می‌کردند نشان می‌داد که بیشتر شاعران این اشعار نو عضو حزب توده، مارکسیست یا کمونیست بودند و یا غرب‌گرا و در واقع باید گفت اختیار شعر جدید به دست آنها بود. در این زمان یک اما پدیدار شد، امایی که تمام این تعریف‌ها از شعر نو را از بین برد. این اما و تغییر کسی نبود جز موسوی گرمارودی که با تلفیق زبان نو با مذهب در اشعاری مانند خط خون و در سایه سار نخل ولایت شیوه جدیدی در سرودن شعر به وجود آورد که تا آن زمان کسی دیگر این شیوه از شعر آییندی را تجربه نکرده بود.

اشعار موسوی گرمارودی از چند جهت قابل بررسی است. نخست آن که از مضامین سست و سبک در شعر گرمارودی خبری نیست و اغلب اشعار او مضامین مذهبی آیینی دارد. بی‌شک این نوع تفکر ریشه در تحصیلات دانشگاهی و حوزوی او دارد و نکته بارز در اشعار آیینی او پرداختن به حماسه است. در واقع گرمارودی شاعر ماتم‌سرا و مرثیه‌گوی اهل بیت نیست بلکه اشعار او لبریز است از حماسه‌هایی که اهل بیت آفریدند. وی با قرار دادن اسطوره‌های ملی و تاریخی ایرانی و غیر ایرانی در کنار نمادهای مذهبی و اسلامی رنگ و بوی و حال و هوای تازه‌ای به اسطوره‌های ملی و تاریخی داده و جان دوباره به آنها بخشیده است.

هر چند نمونه‌های موفق و جاودانه‌های از موسوی گرمارودی در قالب شعر نیمایی و یا سپید سراغ داریم اما ایشان تجربه‌های بسیار موفق هم در قالب‌های مختلف سنتی داشته‌اند که هر کدام نمونه‌ای از یک شعر کامل و ماندگار است.

گرمارودی از نخستین شاعرانی بود که به شیوه جدید سخن گفت و در قالب شعر سپید آثار درخشانی را خلق کرد، اشعاری که در فضایی جدید و با نگاهی نو بیان شده‌اند. این تلاش برای

نوگرایی در شعر اعتقادی و آیینی باعث شده است. که برخی از اشعار او همچنان در ذهن‌ها باقی بماند و گردد فراموشی به خود نگیرد و حتی می‌توان این را گفت که شعر گرمارودی شناسنامه اوست (فیاض منش، ۱۳۸۱، ۶۷).

تمام موارد بالا بیشتر در مورد محتوا و مضامین شعر پایداری انقلاب است و در شکل و فرم و قالب تغییر چندانی در اشعار دیده نمی‌شود. به غیر از موسوی گرمارودی که پایه‌گذار شعر سپید آیینی است دیگر شاعران و سبزواری از همان شکل و فرم اشعار سنتی در شعرشان استفاده می‌نمایند و گاهی نیز قالب‌هایی را نوآوری می‌نمایند. حرکت در مسیر اعتدال ادبی و دست یافتن به شعری سهل و ممتنع، احیای قالب‌های ادبی فراموش شده (رباعی و دوبیتی) و استفاده از ظرفیت‌های همه سبک‌های ادبی از ویژگی‌های بارز شعر این دوره است. با این همه و با توجه به تعاریفی که از سبک ارائه شده است، نمی‌توان گفت که شعر انقلاب از نظر قالب و فرم - به سبک جدیدی رسیده است. البته از حق نباید گذشت که شاعران انقلاب دارای ابداعاتی در حوزه قالب و فرم هستند که از جمله آنها تلفیق قالب-های ادبی، دخل و تصرف هنرمندانه در موسیقی کناری (قافیه و ردیف) و همچنین خلاقیت در واژه‌سازی و ترکیب‌سازی است، ولی به نظر می‌رسد تنها ابداعاتی در این سطح برای ظهور یک سبک ادبی کافی نیست.

نتایج مقاله

این مقاله به تحلیل و بررسی گوشه‌ای از جلوه‌های پایداری در اشعار دو شاعر مطرح کشورمان، حمید سبزواری و موسوی گرمارودی پرداخته است.

ادبیات پایداری در دوران دفاع مقدس و بعد از آن به اوج رسید، و نسبت به گذشته پیشرفت و تأثیر چشم‌گیری داشت. گرمارودی و سبزواری از جمله شاعران مطرحی بودند که برای دفاع از میهن، ارزش‌ها، اهل بیت، شهدا و زنده ماندن راه آنها اشعار زیبایی سرودند. حمید سبزواری به هر مناسبتی در انقلاب اسلامی شعر سروده است و به همین علت او را «شاعر انقلابی» می‌نامند. او اشعار زیبایی با درون‌مایه‌های شهادت، عاشورا، رهبری، انتظار، اهل بیت و... را قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در انواع مختلف قالب‌های شعری از قبیل غزل، رباعی، دوبیتی، مثنوی و شعر نو سروده است. گرمارودی از جمله شاعرانی است که قبل و بعد از انقلاب اسلامی در عرصه‌ی ادبیات پایداری شعر سروده، مضامین پایداری را به زیبایی بیان کرده است.

مضمون پایداری در شعر حمید سبزواری و موسوی گرمارودی \\۲۴۳

او از شاعران صاحب سبک است که شعرهایش به پیچیدگی و دیربایی معروف است و اگر خواننده در این زمینه اطلاعات کافی نداشته باشد، فهم اشعار گرمارودی برای او دشوار خواهد بود. می توان نتیجه گرفت، هر دو در زمینه‌ی عاشورا، شهادت، رهبری، ائمه‌ی معصومین علیهم السّلام، انقلاب، سوگ و... سروده‌های زیبایی دارند. هر دو شاعر در سوگ بزرگان انقلاب اسلامی که به شهادت رسیدند و یا فوت کردند؛ مرثیه‌هایی سروده‌اند.

اشعار حمید سبزواری و گرمارودی شناسنامه‌ی زمانمند انقلاب اسلامی است، اشعار و شعر خط خون گرمارودی حماسه‌های شکوهمند و غرورآفرین قیام و مبارزه و رجعت به خویشتن است. شعر او فریاد و خروش است به دور از هرگونه تغزلات و عشق‌های نازل و مجازی خروش او و فریاد او همانند مصلحان و متفکران ماست که بر ضد انسان‌مداری عصر ما بر آسمان رفته است.

۲۴۴ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

کتابشناسی

آقاجانی، مریم و رسول نیا، امیر حسین. (۱۳۹۱). **پایداری و ناپذیرایی در شعر**، درویش و موسوی گرمارودی، ادب عربی، تهران، سال ۴، شماره ۳.

بخشوده، حبیب اله. (۱۳۸۴). **نمادگرایی در حوزه شعر سپید مقاومت**، مجله کیهان ورزشی، شماره ۲۳۳.

همو. (۱۳۸۴). **نمادگرایی در حوزه شعر سپید مقاومت**، مجله مشکوه، شماره ۸۱.

بهلولی، محمد. (۱۳۸۸). **نخل ولایت در سایه سار**، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۸۸.

پرویز زاد، شهلا. (۱۳۸۱). **کتابشناسی حمید سبزواری**، کیهان فرهنگی، شماره ۱۹۱.

حسنلی، کاوس. (۱۳۸۴). **تصویر زمان در شعر فارسی**، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۲۲.

درویش و موسوی گرمارودی، ادب عربی، تهران، سال ۴، شماره ۳.

دلاویز، مسعود. (۱۳۹۰). **سمبولیسم اجتماعی، اصول و شکل های آن در شعر معاصر فارسی**،

مجله کتاب ماه ادبیات، شماره ۵۸.

زاهدی، تورج. (۱۳۸۱). **ذوق شاعری و موسیقایی**، کیهان ورزشی، شماره ۱۹۱.

سبزواری، حمید. (۱۳۸۷). **تو عاشقانه سفر کن**، چاپ اول، تهران، نشر تکا.

سجودی، فرزانه. (۱۳۸۵). **ساختار شعر پایداری**، مجله بیناب، ش ۱۰.

شهری برآبادی، محمد. (۱۳۶۶). **دگرگونی های شعر فارسی پس از انقلاب اسلامی**، مجله مشکوه،

شماره ۱۴.

طاهری، قدرت الله. (۱۳۸۷). **نگاهی به جریان های شعری فعال در عصر انقلاب اسلامی**، مجله

کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۳۶.

فیض، مصطفی. (۱۳۸۷). **حال اهل درد**، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

کافی، غلامرضا. (۱۳۸۱). **دستی بر آتش**، چاپ اول، شیراز، نوید شیراز.

کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). **بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان**، چاپ اول، تهران،

انتشارات پالیزان.

مجاهدی، محمد علی. (۱۳۹۵). **شکوه شعر عاشورا**، چاپ اول، قم، مرکز تحقیقات اسلامی.

محقق، جواد. (۱۳۸۹). **کلمات در خط مقدم**، چاپ اول، تهران، روایت فتح.

محمدی خیرآبادی. (۱۳۸۲). **جلوه هایی از فرهنگ شهادت در شعر انقلاب**، مجله مشکوه.

مضمون پایداری در شعر حمید بن زواری و موسوی گرمارودی ۲۴۵\|\|

اکبری، منوچهر. (۱۳۸۱). دریاچه ای بر سبک شعر انقلاب اسلامی، دریاچه ای بر سبک شعر انقلاب

اسلامی، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۳.

موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۸۴). برآشتن گیسوی تاک، چاپ سوم، تهران، سوره مهر.